

خارج نمی گذارند ملت به این مقصد عالی نایل گردد خوشبختانه جمعی از رجال بزرگ و شاعران دکان محترم و سرداران معظم به حقیقت این مطلب پی بردند و صفای نیت ملت را در صلح جوئی واقعی دانستند و موانع را در اجرای این مقصود شناختند و تصدیق حقانیت ملت را کردند و بر خود لازم دیدند که محض خدمت به دولت و ملت و بقای سلطنت قدم همت به میان بگذارند و خارهای مملکت برپا داده که در دربار روئیده به قوت اتفاق خود از جا برآرند و راه اتصال حقیقی ملت را با پادشاه خود از هر خس و خار پاک نمایند؛ از این جهت در خانه جناب آقای عضدالمملک که اول مرد و محترم ترین رجال دولت ایران و مقبول الکلمه میان دولت و ملت و رئیس طایفه جلیله قاجاریه است پناه بردند و به توسط آن شخص بزرگ عرض حال خود را به شاه کردند و عرایض آنها صورت قبول یافت و حکم اخراج و تبعید چند نفر مفسد فاسد را از دربار صادر گشت؛ و نزدیک بود که مقصد عالی صلح جویان بزودی انجام یابد و روز سعادت و خوشبختی ملک و ملت برسد، ولی هزار افسوس که محرکین خارج به دستگیری همان مردودین از دربار ورق را برگرداندند و شاه را به نقض این عهد و مخالفت این امر باز داشتند، و در اول قدم برای اجرای مقاصد فاسده خود شاه را از مرکز سلطنت به یک حرکت نا بهنگام (۱) به ترتیب بسی ناپسند که موجب انزجار خاطر ملت بود به باغ شاه حرکت دادند و قوای نظامی را اطراف شاه جمع کردند و به این وسیله اولاً - مخفیانه و بعد آشکارا و علنی به دربار بار یافتند و اسباب زیادی نفرت قلب ملت را فراهم آوردند؛ آقای عضدالمملک که اعتبار و شرف قول و فعل خود را در معرض زوال دید تجدید صحبت پادشاه نموده و حصول مقصود را در این قرار دادند که امراء و شاهزادگان که در مقام خدمت و خیر خواهی سلطنت حاضر شده بودند شرفیاب حضور کردند و مورد مرحمت شوند و مردودین هم تبعید گردند و کار [به] صلح و سلم انجام یابد روز یکشنبه هفتم شهر جاری (جمادی الاولی) اقدام به این کار شد و حضرات به اتفاق آقای عضدالمملک شرفیاب شدند و در هنگام مراجعت سه نفر از رؤسای آن هیأت محترم را به عادت دوره استبداد، برخلاف قانون دستگیر و توقیف نمودند و به مجلس مقدس و هیأت کابینه وزراء اخطار کردند که این سه نفر مفسد بودند گرفتار شدند و ما خود حافظ اساس مشروطیت هستیم؛ در صورتیکه در ظرف دو سه روز چندین مخالفت با قانون اساسی کردند تصرفات بسیار در امر نظام بی اطلاع وزیر جنگ تغییر و تبدیل در امر تلگرافخانه برخلاف قانون، توقیف

بزرگان مملکت بی ثبوت تفسیر آنها برخلاف قانون احضارات نظامی بی اطلاع وزیر جنگ، قطع مخبرات تلگرافاتی از بعضی نقاط برخلاف قانون نقض عهدهای سابقه برخلاف قانون؛ با وجود این ملت نجیب هنوز رشته اتصال خود را قطع نکرده و تا این اندازه که بر تمام عالم و عالمیان حقانیت و بی غرضی خود را ثابت کند بردباری خواهد کرد. ولی البته عقلای عالم اجازه نمی دهند که اگر این اقدامات ناشایسته منجر به نقص و خللی در اساس استقلال مملکت، یا تزلزلی در ارکان مشروطیت حاصل گردد باز این ملت در مقام حفظ استقلال خود اقدامات کامله نکنند و نگذارد حتی از حقوق مشروع خود پایمال گردد و البته به وظیفه خود ناچار در این هنگام رفتار خواهند کرد.

چند جواب دیگر از اعلان شاه طبع و نشر شد یکی از انجمن علمیه بوده دوازده تصویرو خلاف قانون اساسی بر شاه گرفته بودند.

امروز که سه شنبه ۹ جمادی الاولی است معلوم گردید علاءالدوله و جلال الدوله و سردار منصور را مطلقاً از راه مازندران روانه کلات داشته و جناب عضدالملک هم به سلیمانیه که ملک خودشان است رفته اند انجمن ها به طرف مجلس رفته و در مجلس امروز از این امر مذاکره نشد تلگراف طهران به آذربایجان را دولتیان قطع نمودند هر کس با سلاح باشد سلاح او را مأخوذ می دارند.

این دو روز نان و گوشت گران شد لذا اعلانی از طرف شاه طبع گردید که ما حکم کردیم وزیر داخله به بلدیة اظهار دارد که از خباز و قصاب مأخذ کنند و نان و گوشت را به قیمت سابق بفروشند.

امروز که روز چهارشنبه ۱۰ جمادی الاولی است انجمن ها در مجلس و مدرسه سپهسالار اجتماع نمودند. حجج اسلامیه هم در مجلس حاضر شدند چون روز قبل از طرف ملت اتفاقات و وقایع را تلفون به قزوین کردند از قزوین هم به آذربایجان تلفون شد لذا اهالی آذربایجان تلگرافی به وکلاء خود کردند چون جواب نرسید لذا گفته بودند اگر جواب نرسد اجزاء تلگرافخانه را بقتل می رسانیم از یک طرف هم سفارت انگلیس مطالبه خسارت تلگراف را نمودند که چهارده هزار تومان ضرر قطع سیم تلگراف را بدهید لذا سیم را فوراً وصل نمودند تلگرافات متعدده از آذربایجان و رشت و قزوین رسید که ما محمدعلی میرزا از سلطنت خلع نمودیم و این خائن را به سمت سلطنت نمی شناسیم انجمن ها هم رسماً تابلو ها را بردند در مدرسه سپهسالار و مدرسه را به عمارت بهارستان وصل نمودند چند نفر قزاق را هم از تفنگ و اسلحه عاری ساختند دکا کین را خواستند بیندند، مجلس سلاح ندید.

امروز که روز پنجشنبه یازدهم جمادی الاولی است اکثر بلکه تمام انجمن ها در مدرسه

سپهسالار جمع شدند از فارس تلگرافی رسید که ما این خائن را از سلطنت عزل کردیم؛ ایل قشقایی و ایل عرب حاضر شدند برای آمدن به طهران، از سایر بلدان به همین مضمون تلگرافات رسید. در باریان صورت قسم نامه شاه را طبع و نشر دادند که شاه حاضر است با مشروطیت همراه باشد صورت قسم نامه از قرار تفصیل ذیل است:

قسمنامه ای است که اعلیحضرت همایونی محمدعلی شاه قاجار خلدالله ملکه در شب شنبه ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۵ پشت قرآن مجید به خط خودشان نوشته و مهیوراً به مجلس فرستاده اند.

چون به واسطه انقلاباتی که این چند روزه در طهران و سایر ولایات ایران واقع شده، برای ملت سوء ظنی حاصل شده بود که خدای نخواستہ، در مقام نقض عهد و مخالفت با قانون اساسی هستیم، لهذا برای رفع این سوءظن و اطمینان تامه عموم ملت به این کلام الله مجید قسم یاد می کنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی را کلیه در کمال مواظبت حمایت و رعایت کرده و اجرای آن را به هیچ وجه غفلت نکنیم و هر کس بر خلاف مشروطیت رفتار کرده مجازات سخت بدیم و هر گاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مسئول خواهیم بود ذی قعدة ۱۳۲۵ (محمد علی شاه قاجار).

جناب آقای سید عبدالله در این روز خطاب به [ای] قرائت نمود به این مضمون: که ما در مقام اصلاح می باشیم و عمأ قریب اصلاح خواهیم نمود. مردم فریاد کردند که هرگز ما اصلاح نخواهیم نمود و جز عزل و انفصال این شاه دیگر علاج و چاره نمی باشد. یکی از حاضرین قداره کشید که شکم خودش را پاره کند، مردم او را گرفتند و مانع شدند. دیگری گفت این شاه یا عاقل است یا دیوانه اگر عاقل است با این مخالفت قسم و نقض عهد و خلاف حکم علماء اعلام از اسلام خارج شده و پادشاه ما باید مسلمان باشد و اگر دیوانه است که ما پادشاه دیوانه نمی خواهیم. گفت و گو زیاد شد جناب آقای طباطبائی فرمود: ما اینجا برای اصلاح کار شما آمده ایم هر گاه اصلاح شد فیها و الا ما هم می آئیم نزد شما می نشینیم مردم خوشحال شده و دعا کردند و به طرف مدرسه سپهسالار روانه شدند تلگرافاتی که از فارس و سایر بلدان رسید بسیار است که مضمون همه اظهار همراهی از ملت و مخالفت با شاه بود در تلگراف فارس این مطلب علاوه بود که ایل عرب و ایل قشقایی حاضر است برای آمدن به طهران.

از طرف شاه پیغام آمد به مجلس که حضراتی که نفی شدند تا ده روز دیگر مراجعت می کنند ولی یازده نفر باید تبعید شوند عدلیه باید بر وجه اتم و اکمل برپا شود قانون مطبوعات باید جاری شود نظامنامه برای انجمنها باید نوشته شود که انجمنها در اجرائیات مداخله نکنند. احدی از ملت اخذ اسلحه نباید بکند و الا اسلحه او مأخوذ و صاحبش

مجازات شود مجلس جواب داد که تبعید و نفی احدی قبل از محاکمه و ثبوت تقصیر جایز نیست و خلاف قانون اساسی است و منع اسلحه بعد از حصول امنیت عیبی ندارد سایر مطالب را قبول می‌کنیم .

امروز که روز جمعه ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۳۶ می‌باشد و کلاء و حجج اسلام در مجلس جمع شدند انجمن‌ها در مدرسه سپهسالار حاضر شدند یکدفعه از طرف پالکنیک رئیس قزاقخانه نوشته رسید که تا دو ساعت به غروب هرگاه مردم متفرق نشوند ، من مأمورم که استعمال قوهٔ حریبه را نمایم و ماموریت خود را اجراء دارم. تفنگچی و سربازان ملی سنگر و اطراف بام مدرسه و مجلس را گرفتند . در این وقت که نزدیک ظهر بود بندهٔ نگارنده با فیلسوف شیرازی برای صرف نهار رفتیم منزل جناب آقا شیخ حسینعلی شیرازی که هر دو از اجزاء انجمن مخفی بودند ظهر را آنجا بودیم چهار ساعت به غروب که آمدیم دیدیم انجمن متفرق شده و مردم فحش به و کلاء و علماء می‌دادند و یک یأس و حرمان فوق العاده در مردم مشاهده می‌شد ، سبب را استفسار نمودیم جواب دادند مجلس از انجمن‌ها نماینده خواست پس از حاضر شدن نمایندگان آقا سید عبدالله گفت : صلاح انجمن‌ها در این است که متفرق شوند و بروند تا ما خود اصلاح کنیم مردم قبول نکردند تقی‌زاده که از و کلاء آذربایجان بود گفت ما این‌طور صلاح می‌دانیم که معجلاً متفرق شوید و اگر کسی گفت نخواهیم رفت اسامی آنها را می‌نویسیم تا بعدها در تاریخ بنویسند برباد دهند ملت این جماعت بودند ؛ ممتازالدوله رئیس مجلس گفت : ما امروز و کیل سی‌کرور نفوس می‌باشیم شما که اینجا جمع شدید منتها ده هزار نفر می‌باشید قول شما حجت نیست بلکه می‌گوئیم هر کس که مخالفت این قول ما را بنماید آن مقصر قانونی خواهد بود و ما آن‌کس را دشمن خود و مملکت می‌دانیم شخصی خدمت آقای طباطبائی عرض کرد آقا سرکار دیروز فرمودید اگر کار اصلاح نشد ما می‌آئیم نزد شما می‌نشینیم حالا می‌فرمائید بروید ؛ حضرت آقا فرمود این فضولی‌ها موقوف ما این‌طور صلاح می‌دانیم که شما در اینجا توقف نکنید باری مردم پس از این فرمایشات متفرق شدند و در بین راه هم قزاق تفنگ‌های مردم را می‌گرفتند عموم جهال بد به و کلاء و علماء می‌گویند که پول و رشوه گرفتند و ما را فروختند از یک طرف هم در بازار جار کشیدند که حکم محمد علی شاه است هر کس در مجلس و مدرسهٔ سپهسالار بماند تا دو ساعت به غروب خون او به هدر است و به آقای آقا سید عبدالله هم بگوئید تخت مرمر را خالی گذارده و رفتیم اگر میل سلطنت دارید تشریف برده بر تخت سلطنت جلوس نمائید . این بود حاصل این جار کشیدن دیگر معلوم نشد این جار بر حسب امر شاه بوده یا مفسدین این اسباب را فراهم آوردند .

بعضی اعلانات و اوراق امروز طبع و نشر گردید که ما بعضی آنها را دست آورده در این تاریخ خود درج می‌نمائیم .

قشون و اشخاصی که طرف شاه بودند و با دو عراده توپ اطراف شاه و سنگرهای خارج دروازه را گرفته بودند سه هزار نفر بودند که این سه هزار نفر مأمور بودند پس از خالی شدن توپ مواظب باشند هر کس فرار کرد او را بکشند و کلاه و علماء و علماء خیر داشتند و می دانستند که شاه مجد است بر این خیال .

باری صورت اوراق منتشره از این قرار است :

اعلان ملت به عموم سربازان و سواران اسلام

السلام علیکم یا انصار دین الله ، السلام علیکم یا انصار رسول الله ،
 السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین ، ای سربازان اسلام ! ای جان نثاران
 سیدالشهداء ! ای برادران دینی و ایمانی ! هیچ دانسته‌اید که حقوق شما یا ما
 ملت اسلام یکی است ؟ آیا نعوذ بالله مسلمان نیستید ؟ ای فدائیان وطن و اسلام !
 مگر فلاکت و مصیبت های وارده بر خود و خانواده خود را در زمان استبداد
 فراموش کرده‌اید ؟ آه آه آن بی رحمی های قدیم که چهار نفر بی دین مستبد
 بر شما و اهل و عیال شما مظلومین بدبخت می کردند دل سنگ را آب می کنند
 حال در عوض آنکه سرحدات ایران را از شر دشمنان نگاه دارند روز به روز
 به غارت و چاپیدن و قتل و کشتار مسلمانان بی گناه پرداختند. ای سربازان !
 ای مسلمانان ! ای فدائیان امام حسین ! ای چاکران فاطمه زهرا ! از خواب
 بیدار شوید ، چشم باز کنید ببینید هر گاه با علماء و جانشین های پیغمبر خدا
 مخالفت کنید از دین خارج خواهید شد زن های شما در خانه شما حرام خواهند
 شد . بترسید از آتش سوزان جهنم و غضب خداوند و نفرین امام عصر که بلای
 آسمانی بر شما نازل نماید ، اگر کافر شوید و دست از مخالفت با مسلمین
 بردارید ، در ولایت شما زن و بیچه شما ها را مسلمان های آنجا اسیر خواهند
 کرد ؛ و پنا بر تلگرافات متواتره که از آذربایجان و گیلان و قزوین و خراسان
 و فارس و سایر ولایات ایران رسیده چند روز است که به واسطه مخالفت و نقض
 با قانون اساسی در توقیف و تبعید سردار منصور و جلال الدوله و علاء الدوله و
 عزل میرزا صالح خان حاکم طهران بدون تقصیر و فسخ اجاره تلگرافخانه و
 واگذار کردن به مخبرالدوله و خارج نکردن خائنین از دربار ، همه هیجان
 دارند و تعطیل عمومی نموده اند اگر به خلاف میل ملت و اساس مشروطیت از
 شما ها مخالفتی ظاهر شود بنا به اوامر حضرات حجج اسلام و پیشوایان فرقه
 شیعه جعفری که متمرذین مشروطیت حکم محارب با امام زمان را دارند ، جان
 و مال و خانه و هستی شماها در خطر است عجاله محض اتمام حجت به شما ها
 رسماً اعلام می نمایم که محض ماهی هفت هزار و ده شاهی موجب که یادگار

زمان استبداد است و به آرزوی آن دو سال سه سال جان می‌دهید، اگر مخالفت کنید و اسلحه خود را بروی مسلمانان بکشید، تمامتان را قتل عام خواهیم کرد. اعلان دیگر در این روزطبع و نشر گردید که صورت آن از این قرار است:

اعلام از طرف ملت به بریگاد قزاق

آن دسته از شماها که مهاجرین اند گویا نمی‌دانند که اولاد چه پدرهای عالی تبارند که عرق اسلامیت را به منتها درجه که بر هر مسلم فریضه است دارا بودند و بعد از وقعه جگر خراش معاهده (ترکمان چای) و مجزا شدن يك قطعه از مملکت ایران، حفظ بیضه اسلام را بر حب خانه و لانه خود رجحان دادند و ترك ملك و آب و خاک خویش را کرده راضی نشدند مطیع قوانینی جز قرآن کریم شوند و به سلطنتی غیر از اسلام اطاعت کنند؛ به واسطه همین جوانمردی و تعصب عاقلانه مذهبی اسامی خود را زینت تاریخ ایران و ایرانی بودن خویش را به عالمیان اعلام کردند.

تا قبل از تأسیس بریگاد قزاق آن دسته با همان صفات ممدوحه نیاکان خود باقی بودند و ایران را وطن حقیقی خویش دانسته و از مجزا شدن بنگاه اصلی خود که در دست دیگران است، خون می‌گریستند و قرین اندوه و الم بودند ولی پولتیک چند نفر که اذ دشمنان دین و وطن آنان بودند و به اسم معلمی و مشاقتی اداره قزاق به ایران آمدند، به ازدیاد جیره و مواجب هائی که با سیل اشک دیده ارامل و ایتم و عجزه و خون‌های فرزندان ایران وارد پایتخت می‌شد؛ مذهب، تعصب، ملیت، قومیت، سماحت، فکر، خیال و ذرات وجود آنها شماها را مبدل به يك حالت ثانوی کرد، که زبان و قلم از گفتن و نوشتن شرم دارد عجاله سیئات اعمال و افعال چند سالة شما را که اسباب نفوذ پولتیک اجنبی بوده نمی‌نویسیم اکنون به شماها اعلام می‌کنیم که آنچه از بدو مشروطیت تا به حال از طرف آن هیئت سرأ و جهراً برخلاف اساس مشروطیت اقدام شده، عفو و اغماض می‌نمائیم اما از امروز به بعد اگر حرکتی خلاف (کنسی توسیون) از شماها دیده شود و به وضع سابق و این دو سال اخیر اقدامی مشاهده گردد و به حکم مذهب عقل، وجدان و اوامر حضرات حجج اسلام و پیشوایان فرقه حقه جعفریه دانت تأییداتهم که به کرات دستخط فرموده اند که مخالفین مشروطیت حکم محارب را دارند، با فرداً فرد بریگاد قزاقخانه همان طور سلوک خواهیم کرد که مسلمین با محاربین کردند.

این را هم (۱) بدانید که بیشتر شماها در این شهر خانه و مسکن دارید

در قتل جبال و صحاری مقیم نیستید در حین مخالفت در يك لمحه خانه و اموال شما تاراج و خراب و هريك از شماها در دست هزارها از مسلمین گرفتار می شود. باز محض اتمام حجت به فریاد بلند می گوئیم فریفته چند تن بی دین بی ناموس دشمن ایران و ایرانیان نشده بر جان و مال خویش رحمت آرید اگر در وقعه کربلا شمر و سنان و خولی به جهت حکومت و جایزه های عمده بر حافظین شرع مبین اسلام تاخند ، شما بی چارگان بدبخت برای ماهی یکصد و پنجاه تومان الی سه هزار تومان مخرب قانون اسلامی نشوید و در قیامت خود را در زمره مخالفین اسلام محسوب ندارید .
ورقه دیگری را که طبع و نشر شد درج می نمائیم و به همین قدر اکتفاء می نمائیم .

قابل توجه برادران معروف به قزاق

ای فرزندان ایران و ای نخبه دلاوران و شجاعان ! نمی دانیم با کدام قوه مانیاتیم شماها را خواب کرده و با کدام غبار بدبختی چشمان شما را گرفته و با چه پنبه غفلت گوش های شما را آغشته اند ، و از کدام باده غرور شما را چنین مست و طافح کرده اند ، که ابداً [ای] به فکر و خیال این نیستید که در پیش آمد حال خود و اخلاف خود تفکر نمائید ، و از گذشته و آینده به نظر آرید ، آیا هیچ فکر کرده اید که شما را از چه جهت ، به کدام مناسبت به اسم قزاق ، که نام یکی از طوایف وحشی روسیه است ، می خوانند ؟ و شماها که اصلاً ایرانی نژاد و زاده این خاک پاکید و اغلب از خانواده های نجیب قدیم محترمید ، چگونه راضی شدید که اسم خود را عوض کنید ، آن هم با يك چنین نام پست بی شرفی ؟ مگر شما اول دسته قشونی هستید که در تحت مشاقي خارجه تربیت شده اید ؟ اغلب از دول در ابتدای ترقی مشاقي از خارجه آوردند. آیا کدام يك اسم اصلی خود را تغییر داده خود را به نام ایلات و طوایف آنها خواندند ؟ هنوز دولت عثمانی مشاقي آلمانی دارد ، هیچ شنیده اید که سوار و سربازش موسوم به نام یکی از ایلات یا ایلات آلمان باشند ؟ مگر در همین ایران مشاقي های اطریشی که بودند و نظام ما را تا يك درجه منظم کردند ، هیچ تغییری در اسم آنها دادند ؟ و گفتند فوج ژرمن (۱) یا اطریش ؟ حالا لباس شما را تغییر دادند ، هیچ ، اگر چه آن هم مضار زیاد دارد ، ولی باز در مقابل تغییر اسم اهمیتی ندارد از این گذشته مگر شما خود را ایرانی نمی شناسید ؟ و سهم النفع و الضرر این آب و خاک نمی دانید ؟ چه شما را وادار کرده که همیشه

باید آلت دست مستبدین و مترس برادران خود باشید ؟

در این موقعی که آحاد افراد ملت جاناً و مالاً به جهت اخذ حقوق منصوبه خود سعی و کوشش دارند ، حتی سواران صحرائین و ایلات در همراهی این اساس مقدس [جان] بازی می کنند ، بلکه مهاجرین هند و قفقاز صدا به صدا داده خود را با برادران ایرانی همراه کرده اند ، شماها که گوشت و پوست خودتان از نعمت مادر وطن پرورش یافته و چندین سال است مبالغ کلی از دسترنج این ملت بی چاره خرج تعلیم و تربیت شماها شده ، تا در روز تنگی کمک به حال آنها ننمائید و باری از دوششان بردارید ، حالا برخلاف باید شما به هوای نفسانی چند نفر دشمن خارجی ، که جز برپادی مملکت و اسارت شما و فرزندان و برادران شما خیالی ندارند ، خود را با ملت طرف نمائید ؟ و نام خود را تا ابد قرین تنگ و مذلت کنید ؟ آیا هیچ می دانید که بعدها چگونه شماها در انظار ملت خوار و خائن و بی مقدار قلم خواهید رفت و فرزندان و بازماندگان شما همیشه سر به پیش با کمال خفت و خجالت انگشت نمای دوست و دشمن خواهند بود ؟ مگر که در بدن شما خون ایرانیت و غیرت وطن پرستی وجود ندارد؟ درحالتی که تمام قشون ولایات دست به هم داده و با ملت متفق و یک زبان شده از پیشگاه پدر مهربان یعنی اعلیحضرت ایفای به عهد و طرد و تبعید چند نفر خائن نمک به حرام را می خواهند ؛ شماها برخلاف ، در مقابل ملت اظهار خودنمایی می کنید ؟ ! من نمی گویم اگر خدای نخواست پیمانۀ صبر ملت لبریز شود ، شماها که سهل است هر کس با ملت طرف شود جز فنا و زوال خود نتیجه نخواهد برد ؛ بلکه می گویم ای برادران قدری به خود آئید و فکر نمائید و عقل خود را حکم سازید ، چگونه تحمل فرمانفرمایی چهار نفر مشاق اجنبی را کرده و از یک شرافت قومیت و ملیت دست برمی دارید؟ قزاق های روسیه که با ملت سختی کردند و نام خود را تا ابد تنگین نمودند ، آنها تمام فرومایه و دزد و بد نژاد بودند . هیچ شنیدید که سایر قشون نجیب روسیه برضد ملت خود اقدام نمایند و در همراهی با خیال مشروع آنها خودداری کنند (۱) ؟ فقط همان قزاقها بودند که البته شما بهتر می دانید که اصل آنها چه بوده و نتیجه و فرزند کجا هستند و نام آنها چگونه در تاریخ ذکر شده و خواهد شد . به شرف ایرانیت و حقیقت انسانیت قسم که جز دلسوزی بر شما غرضی ندارم فقط می خواهم تا موقع از دست نرفته کار از کار نگذشته به هوش خود باز آئید و بیش از این تیشه به ریشه خود نزنید و مادر وطن را زیاده از این از خود نرنجانید ، چشم خود را باز کنید

اطراف کار را ملاحظه نماید تا که دستتان می‌رسد کاری کنید که رفع بدنامی‌های سابقه به طور خوش فراهم شود. اولاً از [این] اسم که علامت تقلب و خیانت به ملت است استعفاء داده سپس با خیال مقدس ملت همراهی کرده خود و اولاد خود را نیکنام و باشرف دنیا و آخرت سازید، چه ضرر دارد در عوض اسم نجس بدنام «قزاق» اسم شما را دستۀ سواران نصرت وطن بگذارند (۱) و نام شما و اولاد شما تا دنیا پیاست در سردقتر وطن پرستان ثبت و ضبط گردد؟ نمی‌دانم چنین تصور کرده اید که این موجب و حقوق شما قطع خواهد شد ۱۹ و الله بالله بکلی این خیال واهی و بچگانه است. البته ملت از مخارجی که در راه تعلیم و تربیت شماها کرده صرف نظر خواهند کرد و همین که از شما لازمه نجات و ایرانیت را دیدند بیش از پیش همراهی کرده بلکه بر حقوق شما خواهند افزود.

مراد ما نصیحت بود و گفتیم حواله با خدا کردیم و رفتیم

خیرخواه عموم ایرانیان - ایرانی

امروز که روز شنبه ۱۳ [جمادی الاولی ۱۳۳۶] می‌باشد بازارها بعضی بسته و بعضی مفتوح، يك وحشت غریبی در مردم حادث شده، از آذربایجان و فارس و کاشان و اصفهان و یزد تلگرافات متعدده مخابره شده که محمدعلی میرزا را از سلطنت خلع نمودیم. از کرمان و کلاء را پای تلگراف احضار کرده و تکلیف خواسته بودند، بحر العلوم جواب داد که امر به صلح گذشت، لکن جناب آقای حیی و جناب شمس‌الحکما از خط انگلیس تلگراف نمودند و به اشاره و کنایه مطلب را رسانیدند.

امروز که یکشنبه ۱۴ [جمادی الاولی ۱۳۳۶] می‌باشد مردم ملتفت شدند که و کلاء پارلمان خوب کاری کردند که مردم را متفرق نموده اند زیرا که شاه به سفر گفته بود و من با مجلس و مجلس با من است الا آنکه این چند نفر مفسد شرارت می‌کنند، و ملت را متمرکز نمی‌نمایند مگر این جماعت یاغی، می‌خواهید صدق ادعاء مرا؟ الان از طریق مجلس اعلام می‌کنم که متفرق شوند، ملاحظه کنید که نه اطاعت دولت را می‌نمایند و نه از مجلس گوش می‌کنند. بعد از آنکه مجلس به مردم حکم کرد که متفرق و پراکنده شوند فوراً همگی از انجمن و سربازان ملی و غیرهم متفرق شدند این بود که نجات ملت ایران بر سفراء و غیرهم ثابت و محقق گردید.

تلگرافاتی که از ولایات رسیده بسیار است لکن ما بعضی از آنها را

درج می‌نمائیم.

از شیراز به طهران نمره ۶۷ به تاریخ ۱۴ جمادی الاولی

توسط انجمن جنوب و سایر انجمن‌ها، خدمت عموم اهل نظام متوقف طهران از قزاق و سرباز و سوار و توپخانه - هیچ شبهه نیست که اهل نظام فارس پاسبان ملت و وطن بوده و هستند، امروز که محمدعلی میرزا در مقام مخالفت ملت و نقض عهد و قسم برآمده از حجج اسلام حکم جهاد صادر و عمأ قریب اردوی ملی مرکب از سوار قشقائی و عرب و سایر ایلات و بلوکات به جهت حفظ حقوق مجلس مقدس و اساس مشروطیت به طرف طهران، و مثل سیل بنیان کن به جهت فداکاری و جان بازی خود را حاضر نموده که نام خود را زیب تاریخ روزگار نمائیم، درین موقع اهل نظام باید در رفع این خائن با قشون ملی متحد گردیده به طوری که شرف اسلام و مسلمانی [حکم می کند] از بندل جان و مال خودداری ننمایند هر کس در مقام مخالفت با ملت باشد در حقیقت مخالف با صاحب شریعت مطهره خواهد بود. (انجمن ایالتی فارس)

تلگراف از اهر که رحیم خان سردار نصرت مخابره کرده است

نمره ۴ از اهر

توسط وکلای محترم آذربایجان حضور مبارک مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه - این خادم وطن هر روز در اردوی اهر هزار سوار مسلح و هفتصد نفر سرباز برای انتظام امور غراجه داغ و مشکین و اردبیل حاضر نموده چون بعضی اخبار راجع به حرکت مستبدین بر خلاف مشروطیت شنیده می شود بر خود لازم دانسته که با این چندکلمه جسارت نمایم که :

سر که نه در راه عزیزان بود بارگرانی ست کشیدن به دوش

حمد می کنم خالق را که امروز به این ذره بی مقدار این قدر توانائی کرم فرموده بمحض اشاره از طرف ملت خود در مدت سه روز اقل سه هزار سوار جنگ دیده و غالب با تفنگ پنج تیر حاضر نموده، تماماً جز برای ربودن گوی نیکنایمی و شرف ملتخواهی آرزوئی ندارم، از فضل الهی می توانم علاوه از مصارف این عده سوار هم بر حسب لزوم در این موقع تحمل مخارج دو هزار پیاده تفنگچی را نموده و کمک به ملت مظلوم خود بنمایم همین قدر عرض می کنم و گوش بر حکم دیده بر فرمان، منتظرم و تا آخرین نفس که در خود و بازماندگانم باشد در اوامر مقدسه وکلای مجلس دارالشورای ملی کوشم. نهایت آرزو را دارم که ندای غیبی مزده رساند و رحیم بیا... خادم همان هستم که از طهران به تبریز چهار روزه آمدم حالا، ملت به يك اشاره از من به سردویدن.

(رحیم چلبیانلو سردار نصرت - ۱۴ جمادی الاولی)